

الاكلنگ شكسته

مناسبات دولت و دانشگاه در دولت وفاق با چه تغییراتی مواجه شد؟

شانس دولت چهاردهم در تحول آموزش عالی

دولت چهاردهم در شرایط بحرانی فعلی، شاید به موازات دیگر عرصه‌ها، شانس آن را داشته باشد که نام نیکی از خود در موضوع دانشگاه به یادگار بگذارد و اجازه دهد به جای وزارت علوم و نهادهای قانونگذار و کنترل‌گر بیرونی، اختیار امور دانشگاه‌ها به اقتضای آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی، به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان سپرده شود تا الگوهای متعددی از حکمرانی آکادمیک دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در پیوند با دولت و جامعه ملی و محلی و صنعت و بازار و محیط زیست مجال تحقق یابد؛ الگوهایی که با چشمداشتی به استانداردهای جهانی، به تحقق کارویژه‌های موردنظرشان بیندیشند و برای آن برنامه‌ریزی کنند.

بازتعریف برنامه دانشگاه‌ها در بستری بین‌المللی یا ایجاد اتحادیه‌های دانشگاهی به‌منظور تعریف استانداردهای دانشگاهی به اقتضای نیازها و استعدادهای محلی و قواعد جهانی یا واگذاری دانشگاه به دانشگاهیان آنگونه که کانت و بارنت و بسیاری دیگر از آن سخن گفته‌اند تا دانشگاهیان خود نوع مدیریت سازمان درونی و تعامل با سازمان‌های بیرونی را براساس منطق کنشگری آکادمیک تعریف کنند، می‌تواند مرهمی بر این زخم و درد باشد؟ پاسخ به این پرسش ساده نیست؛ چه آنکه سازمان بزرگ و عربض و طویل آموزش عالی در ایران با شعبات متعدد و جمعیت بسیار و سابقه‌ای پیچیده و نظام انتظارات گسترده از جانب دولت و سازمان‌های حکومتی و امثالهم که منجر به رویه‌ها و مقررات بسیار شده است، حیات اجتماعی دارد که به‌سادگی نمی‌توان دکمه خاموش یا تغییر آن را زد تا پس از آن، شاهد نوع متفاوتی از آموزش عالی باشیم. ساختارهای اجتماعی در ایران قدرتمندانه حضور دارند و ایفای نقش می‌کنند. لذا هرگونه طرحی بدیل وضع فعلی، باید درک درست و جامعی از ساختارهای موجود و قدرت آنها داشته باشد. **۱**

دولت چهاردهم در شرایط بحرانی فعلی، شاید به موازات دیگر عرصه‌ها، شانس آن را داشته باشد که نام نیکی از خود در موضوع دانشگاه به یادگار بگذارد و اجازه دهد اختیار امور دانشگاه‌ها، به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان سپرده شود تا الگوهای متعددی از حکمرانی آکادمیک دانشگاه‌ها در پیوند با دولت و جامعه ملی و محلی و صنعت و بازار و محیط زیست مجال تحقق یابد

رضا ماحوزی

[عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی]



مناسبات دولت و دانشگاه در ایران، اینک پس از فراز و فرودها و تعاملات و تقابل‌های بسیار در این نود سال، به وضعیتی رسیده که ادامه رویه پیشین نه معقوله است و نه به صلاح طرفین. اگر روزگاری، جامعه روشنفکری و اقتضائات ملی و بین‌المللی، تأسیس و اداره دانشگاه توسط دولت را امری ضروری و معقول می‌دانست و دولت مدرن مکلف به تأسیس عمارت و استخدام استادان و تنظیم قوانین و تأمین بودجه آن بود، اینک ادامه این راه، خسارانی است بزرگ برای دولت و دانشگاه.

● دانشگاه‌هایی توزیع‌کننده و نه تولیدکننده دانش

تجربه مدیریت دانشگاه در میانه تنش‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بی‌توجهی به الگوهای موفق دانشگاهی در جهان و تعریف برنامه‌های آکادمیک دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در مسیری متفاوت از دنیای دانشگاهی دیگر کشورها، سلب استقلال دانشگاه و فروکاستن عمر برنامه‌های دانشگاهی به اندازه طول عمر دولت‌ها، همگی سراز وضعیت درآورده است که امروزه شاهد آن هستیم؛ دانشگاه‌هایی توزیع‌کننده و نه تولیدکننده دانش، با حاشیه‌های بسیار که نتیجتاً خیرشان نه به دولت و نه به جامعه و صنعت و بازار و نه به خود علم و نهاد دانشگاه می‌رسد.

● نهادی برای دموکراتیک فکر کردن

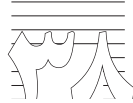
حق این بود که دانشگاه بسان نهادی مستعد و مورد انتظار، در تعامل با هم‌تایان بین‌المللی‌اش، خروج از قبیله‌گرایی تاریخی را تمرین می‌کرد تا به تدریج نسل‌هایی را تربیت کند که معنای دموکراتیک فکر و عمل کردن را فهم کرده و زیسته باشند. مداخلات سازمان‌های سیاسی و اجتماعی، همگی سبب شد تا این نهاد مستعد از ۹۰ سال پیش به این سو نتواند بر اساس منطق ویژه خود و در تعامل با هم‌تایان بین‌المللی‌اش عمل کند و گام به گام، جامعه را به سمت روشنگری و آینده دموکراتیک پیش ببرد.

● چرا دانشگاه انتظارات جامعه را برآورده نمی‌کند؟

۹ دهه برخورد بسته با دانشگاه، با لحاظ همه تفاوت‌ها در کیفیت و کمیت که گفتن از آن خود حدیثی است مفصل، این نهاد را به وضعیتی رسانده که نه توان اصلاح خود را دارد و نه توان اصلاح دولت و جامعه و محیط زیست و فرهنگ و خانواده و بوم‌نظام‌های پیرامونی‌اش را؛ بسان الاكلنگی شکسته که نمی‌تواند طرف مقابلش را بالا ببرد و ارتقا دهد و همچون دستکشی با سوراخ‌های بسیار که نمی‌تواند محافظ و گرمابخش دست‌های دولت و جامعه و امثالهم باشد. اینجا تنها دانشگاه نیست که باید ملامت شود بلکه بیش از آن، این دولت‌ها هستند که باید برای مداخلات و تحمیل منطق خود بر دانشگاه مؤاخذه شوند.

● تغییر منطق کنشگری آکادمیک در دانشگاه ایرانی

اما عنصر نجات‌بخش دانشگاه در ایران چیست؟ آیا کیفی سازی پژوهش‌ها یا



اگر
پزشکیان
نبود



برند
کلیک

شهریور
۱۴۰۴
هفته دولت
ویژه‌نامه